

نقدی بر تصحیح گوی و چوگان قاسمی گنابادی

زهرا اختیاری*

چکیده

تصحیح مثنوی گوی و چوگان سروده قاسمی گنابادی (د. 982) به ضمیمه دو فصلنامه آینه میراث، شماره 34، منتشر شده است. این جستار به نقد و بررسی آن اختصاص دارد. با احترام به مصححان ارجمند و سپاس از زحماتی که برای نوشتن برخی تعلیقات خوب کتاب کشیده‌اند. اما سخن گفتن در مورد تصحیح اثری از قاسمی گنابادی، شاعری توانمند و پرکار و از سادات آزاده خراسان که تمامی ثروت خود را که دو هزار تومان می‌شده، در قرن دهم به آستانه مقدس ثامن الحجج هدیه کرده است و خویشان را وامدار هیچ دریاری ننموده، کار پر مسئولیتی است. انتظار می‌رفت برای تصحیح آثار یا اثری از وی وقت و مایه شایسته گذاشته شود.

در تصحیح مذکور نکاتی قابل بررسی و اصلاح است، از جمله: تاریخ سرایش مثنوی که در سال 947 سروده شده، اما به اشتباه سال 977 را استنتاج کرده‌اند. تاریخ تولد قاسمی گنابادی نیز سال 930 ذکر شده، که با توجه به سرایش مثنوی شاه اسماعیل نامه در سال 940، مثنوی‌های گوی و چوگان و لیلی و مجنون در سال 947، شاه‌رخ‌نامه، خسرو و شیرین و شاه طهماسب‌نامه در سال 950 و دیگر قراین و منابع، نادرستی تاریخ تولد ذکر شده برای قاسمی واضح است. مهم‌تر از همه در مقدمه و متن تصحیح شده، روش علمی در نظر گرفته نشده است و شیوه تصحیح، مشخص و یک دست نیست؛ علاوه بر وجود اشتباه‌هایی در تعلیقات، از ترقیمه خوانا و مهم نسخه‌ها تصویری و یا ذکری نیامده است. در این جستار، سهو و خطاها با دلیل، برشمرده شده است.

واژه های کلیدی

گوی و چوگان قاسمی، نقد تصحیح، شیوه تصحیح، ترقیمه

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران ekhtiari@um.ac.ir

1. مقدمه

منظومه گوی و چوگان، از بین هشت مثنوی موجود قاسمی گنابادی (982 ه.ق.)، چهارمین مثنوی و کوتاه‌ترین آن‌هاست که تصحیح شده و در قطع وزیری با 130 صفحه و با جلد شومیز، ضمیمه سال دوازدهم، شماره 34، دو فصلنامه آینه میراث در سال 1393 چاپ گردیده است.

در این تصحیح فهرست مطالب و تعلیقات مفیدی بر گوی و چوگان نوشته شده، با این همه چند نکته‌ای در نادرستیهای روش تصحیح مذکور و اغلاط فاحش در مقدمه و متن و تعلیقات به نظر رسید که در مقاله حاضر بدان‌ها پرداخته شده است.

1.1. پرسش‌ها

1.1.1. آیا منظومه گوی و چوگان قاسمی تصحیح علمی شده است؟

1.1.2. چگونه اشتباه‌های متعدد و بی‌شمار موجود در تصحیح متن مذکور، حکایت از نامسلط بودن مصحح به فن تصحیح و ناکافی بودن اطلاعات و مطالعات وی دارد؟

1.1.3. مهم‌ترین و فاحش‌ترین اشتباهاتی که در مقدمه و متن و تعلیقات این کتاب آمده، چیست؟

2.1. پیشینه پژوهش

منظومه گوی و چوگان یا کارنامه قاسمی (سام‌میرزا صفوی، 1384: 41) چهارمین سروده قاسمی است که در کهن‌ترین تذکره‌ای که از آثار قاسمی مطلبی آمده و نویسنده آن تذکره معاصر شاعر بوده، یعنی در تذکره تحفه سامی، به توضیحی کوتاه در مورد منظومه کارنامه پرداخته شده است (سام‌میرزا صفوی، 1384: 41). در سایر منظومه‌های قاسمی که بعد از گوی و چوگان سروده شده و نیز در سه متن منثور وی، نام گوی و چوگان آمده است، از جمله در تذکره هفت آسمان، شاعر در نامه‌ای که برای اکبرشاه نوشته و آثار سروده شده خود را معرفی کرده، نام این منظومه آمده است (احمد علی احمد، 1965: 137)؛ نیز در مقدمه منثور شاه‌اسماعیل‌نامه در نسخه شماره 8383 کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی مشهد (قاسمی، 982: 272) و در مقدمه منثور زبده‌الاشعار (قاسمی، 981: 534، 535)؛ همچنین در مثنوی‌های قاسمی که بعد از گوی و چوگان سروده شده هم از منظومه گوی و چوگان نام برده است، از جمله: عمده‌الاشعار (قاسمی، 982/980: 73)؛ زبده‌الاشعار (قاسمی، 981: 534، 559) در خسرو و شیرین (قاسمی، 282: [ر-22]). در فهرست‌های نسخ خطی از قبیل: فهرست نسخه‌های خطی فارسی بنگال از ایوانف (Ivanow, 1926: 189) و فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی فرانسه (Blochet, V3: 347). نیز در مقالاتی که این‌جانب در مورد قاسمی و آثارش نوشته است، از جمله: «قاسمی گنابادی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی (اختیاری، 1393: 175/5)؛ «سایه روشن آثار و نوشته‌های قاسمی گنابادی» (اختیاری، 1390: 58، 48) و تصحیح کتاب لیلی و مجنون قاسمی گنابادی (قاسمی گنابادی، 1393، الف: 18).

3.1. روش کار

پس از مطالعه مقدمه و متن مصحح گوی و چوگان، متن چاپ شده با نسخ خطی آن و به خصوص اصل نسخه خطی شماره 8383 موجود در گنجینه نفایس خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی مشهد و نسخه خطی شماره SUPP 1985 تحریر 992 هجری موجود در کتابخانه ملی فرانسه مقایسه شد و اشتباه‌های فاحش آن بیان گردید. این نادرستی‌ها با استفاده از دیگر متون از جمله: نسخ خطی آثار قاسمی، آثار منتشر شده قاسمی، تذکره‌ها و متون تاریخی و

مقالاتی که درباره قاسمی و آثارش نشر داده شده بود، در سه قسمت: سهو و خطاها، روش کار تصحیح، شیوه تصحیح و معرفی منظومه، بر اساس ارجاع به صفحات چاپ مذکور، ارائه شده است.

2. بحث اصلی

1.1. سهو و خطاها

ص 10، س 11: مصححان، تاریخ سرایش منظومه گوی و چوگان را سال 977 ق. نوشته‌اند: «منظومه گوی و چوگان یا کارنامه را در سال 977 ق در 1500 بیت سروده است» (قاسمی، 1393 ب: 5؛ ونیز ر. ک. 10 و 11). با این‌که شاعر تاریخ اتمام آن را در پایان همان مثنوی «ظل ابدی» (947) آورده است، این خطای فاحش رخ داده است:

تاریخ تمام این معانی ظل ابدی است گر بدانی

(قاسمی، 1393 ب: 125)

به حروف ابجد: «ظ ل ا ب د ی»، تاریخ سرایش منظومه، چنین است: «ظ 900 ل 30 ا 1 ب 2 د 4 ی 10 = 947». اما در مقدمه‌ای که مصححان محترم بر گوی و چوگان آورده‌اند، کلمه «ظل» را با تشدید خوانده‌اند. چنان‌که نوشته‌اند: ظل ابدی «ماده تاریخ سروده شدن منظومه گوی و چوگان است که با احتساب لام مشدّد به حساب ابجد (ظ ل ا ب د ی) برابر با 977 است» (قاسمی، 1393 ب: 11). این در حالی است که در ماده تاریخها تشدید به عنوان دو حرف خوانده نمی‌شود و «حروف مشدّد در واژه‌ها یک بار به حساب می‌آید» (صدری، 1378: 1 ب). ضمن این‌که تاریخ مذکور با تذکره‌ها (سام‌میرزا، 1384: 41) و نوشته خود قاسمی مغایرت دارد. پس بدون تشدید خواندن آن درست است، همان‌گونه که استاد گلچین معانی هم «ظل ابدی» را بدون تشدید خوانده و سال 947 را سال سرایش گوی و چوگان دانسته‌اند (گلچین معانی، 1346، 2/7: 709). نیز در فهرست نسخه‌های خطی فارسی (ایرج افشار، 1350: 3051/3) و در منظومه‌های فارسی (خزانه‌دارلو، 1375: 474) هم سال سرایش گوی و چوگان، سال 947 آمده است (نیز ر. ک. شریفی، 1387: 1114).

نکته دیگری که نشانی برای سروده شدن گوی و چوگان قبل از خسرو و شیرین و شاه‌رخ‌نامه و عمده‌الاشعار و زبده‌الاشعار است، این است که قاسمی در هر اثری که می‌سراید، نام آثار قبلی خود را که سروده، بیان می‌کند (ر. ک. اختیاری، 1390: 65-52). در این منظومه فقط نام دو شاهنامه (شاه اسماعیل‌نامه و شاه طهماسب‌نامه) و لیلی و مجنون آمده است (قاسمی، 1393 ب: 115، 35). یعنی از آثار دیگرش که مربوط به بعد از تاریخ سرایش گوی و چوگان است و در سال 947 پدید نیامده بود، نامی نبرده است:

روزی که مرا ز خار خامه سر زد گل نظم شاهنامه

این گلشن دل‌گشای اخضر گردید ز بوی گل معطر

آن‌گاه دلم به صد تسلی آراست مه جمال لیلی

(قاسمی، 1393 ب: 21)

بعد از آن نام منظومه گوی و چوگان را ذکر می‌کند، بدون آن‌که از اثر دیگری نام برده باشد:

آورد عطاردم به میدان از کلک و دوات گوی و چوگان

(قاسمی، 1393 ب: 124)

دلیل مهم دیگر این است که آخرین مثنوی‌ای که از قاسمی در دست است، زبده‌الاشعار است. سال سرایش زبده‌الاشعار سال 976 ق. است (نک اختیاری، 1390). در مقدمه مثنوی که قاسمی در آغاز زبده‌الاشعار نوشته، آثار سروده شده خود را تا زمان سرایش زبده‌الاشعار به ترتیب تاریخ سرایش برمی‌شمارد: دو شاهنامه، لیلی و مجنون، گوی و چوگان یا کارنامه، خسرو و شیرین، شاهرخ‌نامه، عمده‌الاشعار و زبده‌الاشعار (زبده‌الاشعار، مقدمه: 535-534). محکم‌تر و متقن‌تر از نوشته خود قاسمی نمی‌توان مدرکی یافت.

دلیل بعدی این است که نام مثنوی گوی و چوگان در تذکره تحفه سامی اثر سام‌میرزا صفوی، برادر شاه‌طهماسب آمده است. سام‌میرزا قاسمی گنابادی را ملاقات کرده و نام چهار مثنوی وی را که تا زمان تألیف تذکره تحفه سامی سروده بود و از جمله آن‌ها نام گوی و چوگان را آورده است (سام‌میرزا، 1384: 41). طبق تحقیق رکن‌الدین همایون فرخ، تحفه سامی در سال 968 به پایان رسیده است (سام‌میرزا، 1384، مقدمه: هیجده). تذکره‌ای که در سال 968 تمام شده و نام گوی و چوگان در آن آمده است، چگونه می‌تواند کتابی را که حدود ده سال بعد پدید آمده جزو مثنوی‌های قاسمی برشمارد. پس به تحقیق سرایش گوی و چوگان مدت‌ها قبل از سال 968 و در سال 947 بوده و نه سال 977. ص 13، س اول: سال «1984» خطا است. درست آن سال 1384 است.

ص 14، در زیرنویس: تاریخ کتابت نسخه پاریس را سال 1002 نوشته‌اند و افزوده‌اند: «که حدود ده سال بعد از کتابت منظومه گوی و چوگان و...» (قاسمی، 1393: 14) است. دو نکته قابل ذکر است: 1. منظور از «که حدود ده سال بعد از کتابت منظومه گوی و چوگان» را متوجه نشدم! چون در سال 947 سروده شده و تاریخ کتابت هم 1002 نوشته‌اند. 2. ضمن آن که تاریخ کتابتی که بعدها به خطی جدید بر نسخه پاریس افزوده شده، با توجه به ترقیمه نسخه شاهرخ‌نامه در همین مجموعه سال 992 را نشان می‌دهد، نه سال 1002 (رک. اختیاری، بازشناخت حماسه شاهرخ‌نامه: معرفی نسخه‌ها، زیر چاپ).

ص 4، س 14: قرار دادن قسمتی از مثنوی عمده‌الاشعار داخل گوی و چوگان؛ در مقدمه مصحح آمده: «در نسخه م [8383 آستان قدس رضوی]، قبل از شروع منظومه گوی و چوگان، مثنوی زیر آمده است» و در ادامه در زیر نویس شماره 1 نوشته شده: «در نسخه پ نیز قبل از شروع منظومه گوی و چوگان، یک مثنوی در 44 بیت ... آمده» (قاسمی، 1393: 14). دو توضیح برای این مطلب قابل ذکر است:

اول: قسمتی از اوراق آغاز مثنوی عمده‌الاشعار را به اشتباه در آغاز تصحیح گوی و چوگان قرار داده‌اند (قاسمی، 1393: 20-14). اصل این نسخه در گنجینه نفایس کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به شماره 8383 و به نام مثنویات قاسمی نگه‌داری می‌شود (قاسمی، 982: 982-980). چهار ورق آغاز این مجموعه از ص 2 تا آخر ص 9 ابیات آغازین مثنوی عمده‌الاشعار است و به دست مصححان افتاده و آن را به‌عنوان مثنوی مستقل در آغاز گوی و چوگان آورده‌اند. ابیاتی که عمده‌الاشعار با آن آغاز می‌شود چنین است:

الهی قاسمی را راه بنمای زبانش را به بسم الله بگشای

البته این اشتباه به وسیله کسانی چون ایوانف با آوردن اولین بیت زبده‌الاشعار به جای اولین بیت کارنامه (Ivanow, 1926: 189) هم مطرح شده است.

دوم: در نسخه پ [پاریس] هم قبل از گوی و چوگان مثنوی سه هزار بیتی خسرو و شیرین قرار دارد و نه 44 بیت، آن‌گونه که نوشته‌اند (قاسمی، 1393: 14).

ص. 7، س 2: تاریخ تولد قاسمی گنابادی: مصححان در مقدمه گوی و چوگان، تولد قاسمی را سال 930 ق. آورده‌اند (قاسمی، 1393 ب: 5) در حالی که اگر به کتاب‌ها و تذکره‌هایی که در مورد قاسمی گنابادی مطلبی آمده مراجعه شود، تولد وی را قطعاً قبل از سال 930 دانسته‌اند. دکتر صفا نوشته: قاسمی «هر دو دوره تیموری و صفوی را درک کرد» (صفا، 1364، 2/5: 718). و نیز در پژوهشی که توسط دانشگاه کمبریج انجام گرفته، قاسمی را جزو کسانی شمرده که از تربیت‌شدگان اواخر تیموریان و سال‌های نخستین صفویان بود (صفا، 1384: 542؛ نفیسی، 1344: 410). قاسمی حماسه شاه اسمعیل‌نامه را در سال 940 ق. (گلچین معانی، 1346: 2/7: 709-708) و لیلی و مجنون سرایش اول و گوی و چوگان را در 947 و سه منظومه شاه طهماسب‌نامه، شاهرخ‌نامه و خسرو و شیرین را در سال 950 ق. سروده است. ابیاتی که سال سرایش هر کدام از این مثنوی‌ها را ثبت کرده، در یادداشت‌ها آمده است⁽²⁾. شاعر در چندین جا به عمر طولانی خود اشاره دارد. با این‌که سال مرگ وی قطعی است و او را جزو متوفیات سال 982 آورده‌اند (روملو، 1357: 596)، از سال 930 تا 982، عمر وی 52 سال خواهد شد که عمری طولانی نمی‌شود. قاسمی عمر درازی داشته و خود در چند جا به عمر طولانی خود اشاره دارد؛ از جمله:

چنان کن مرا بهر عمر دراز که نبود به خضر و مسیح نیاز
 ز عمر درازی چنان صد فتوح سزد گر زمن طعنه بر عمر نوح
 (قاسمی، 982: 646)

اگر قاسمی در 930 متولد شده باشد، به هنگام سرایش شاه‌اسماعیل‌نامه می‌بایست ده سال داشته باشد! چه برسد به این‌که شاعری بلندآوازه باشد که شاه‌طهماسب سرایش شاه‌اسماعیل‌نامه را به او بسپارد. کسی که در سال «930» متولد شده باشد، چگونه می‌تواند در 940، شاهنامه شاه اسماعیل‌نامه را بسراید. سعید نفیسی در مورد ارتباط قاسمی با دربار شاه اسماعیل صفوی می‌نویسد: «در آغاز قرن دهم از ملازمان شاه اسماعیل شد و مدتی از شاعران دربار او به شمار می‌رفته است» (نفیسی، 1344: 410). در تذکره صبح گلشن هم این نکته اشاره شده است (حسن خان بهادر، 1295: 326). دیگر این‌که، به استناد نوشته خودش، شاگردی عبدالله هاتفی خرجردی خراسانی متوفای سال 927 ق. را کرده (مقدمه زبده‌الاشعار: 534؛ ابن‌یوسف، 1320: 481) و در مقدمه نوشته‌شده بر تصحیح گوی و چوگان نیز مصححان به تلمذ قاسمی نزد عبدالله هاتفی اشاره کرده‌اند: «شعر و ادب را نزد هاتفی آموخت» (قاسمی، 1393 ب: 7، مقدمه)؛ نیز پای درس ابومنصور دشتکی شیرازی (866-949 ق) نشسته است (منصور دشتکی شیرازی، 1386: 92؛ قاسمی، 1393 ب: 7، مقدمه). با توجه به این نکته مسلم که «وفات هاتفی در سال 927 ق اتفاق افتاده» است (روملو، 1384: 1493/3؛ بدیع الزمان فروزانفر، 1383: 426)، می‌بایست تولد قاسمی در حدود اواخر قرن نهم یا اوایل قرن دهم بوده باشد تا بتواند از محضر شاعر بلندآوازه، هاتفی، برخوردار شود (نک. اختیاری، 1391).

نکته چهارم این است که شاعر پس از بلندآوازی شاه اسماعیل به خدمت او درآمد (صفا، 1364، 2/5: 718) و رفتن او به حضور شاه اسماعیل باید پیش از سال 930 ق باشد زیرا شاه اسماعیل در سال 930 ه.ق. در تبریز درگذشته است (رویمر، 1384: 27 و 43؛ اسکندر بیگ ترکمان، 1392: 44). بنابراین قطعاً تولد قاسمی قبل از 930 اتفاق افتاده است.

ص. 10، س 7: از کتابی به نام ساقی‌نامه نام برده شده است؛ در حالی که قاسمی چنین کتابی ندارد و ساقی‌نامه کتاب مستقلی نیست بلکه قسمتی یا ابیاتی از برخی مثنوی‌های وی است. قاسمی علاوه بر دو ساقی‌نامه که از او یاد کرده‌اند

(فخرالزمانی، 1363: 173-180) ساقی‌نامه‌های دیگری هم دارد؛ از جمله در شاه اسماعیل، شاه طهماسب‌نامه و در شاهرخ‌نامه (شاهرخ‌نامه: [148- پ تا 145- ر]) و دو ساقی‌نامه هم در زبده‌الشعار دارد (زبده‌الشعار، 652 - 651 و 641 - 640).

ص. 21. س 2: کمان رستم، دیگر از نادرستی‌های این تصحیح، اشتباه در معنا کردن برخی کلمات است، از جمله «کمان رستم» که در بیت زیر نادرست معنا شده است:

کان گوی سپهر را که پرداخت چوگان ز کمان رستم ساخت

(قاسمی، 1393ب: 21)

در زیر نویس این بیت کمان رستم را «کنایه از هلال ماه (مشبه به چوگان)» دانسته‌اند درحالی‌که کمان رستم هنوز هم در گناباد و روستاهای اطراف آن به معنای «قوس قزح یا رنگین‌کمان» به کار می‌رود و مناسب معنای بیت هم هست. قاسمی آن را در لیلی و مجنون هم به معنای قوس قزح به کار برده است:

نه گوی سپهر را که پرداخت چوگان ز کمان رستم ساخت

(قاسمی، 1393الف: 62)

ص. 21. س 8: ژاله: را نیز به معنای «شبنم» (قاسمی، 1393ب: 21) دانسته‌اند؛ درحالی‌که در گناباد و روستاهای آن، ژاله یا «جاله» به معنای تگرگ به کار می‌رود (اختیاری، 1393: 127). معنای ژاله در لیلی و مجنون واضح‌تر است:

از ژاله و برف شد دگر بار پر غنچه و پر شکوفه گلزار

از ژاله که گشت روی یخ پُر بود آن صدفی و ژاله‌اش دُر

(قاسمی، 1393الف: 172)

جای دیگری در گوی و چوگان کاملاً واضح است که ژاله همان تگرگ است که روی آب تصویری از رشته‌های دُر ایجاد می‌کند:

از ژاله که روی آب شد پر شد رشته موج رشته دُر

(قاسمی، 1393ب: 48)

یا در صفحه 50 ژاله‌هایی که روی کوه ریخته است، به ستاره تشبیه شده:

از ژاله که کوه را نشانی ست پرانجم ثابت آسمانی ست

ص 49، س 11: نکته اصلی بیت توضیح داده نشده است و بدون شرح باقی مانده است. نکته اصلی:

در دست چنار بهر بازی صد گوی ز روی سرفرازی

نوشته‌اند: «دست چنار به برگ پنجه‌ای آن اشاره دارد» که کافی به نظر نمی‌رسد. مشکل بیت در مصراع دوم است و در «صد گوی»، منظور از گوی در درخت چنار، غوزه‌های فراوان چنار است که شبیه توپ یا گوی کوچک است.

ص 57، زیرنویس شماره 3: ابیاتی از مثنوی دیگر قاسمی؛ در این صفحه اشاره شده که: «در نسخه پ 44 بیت با یک سربخش نامأنوس و طویل (حدود بیست کلمه) آمده که با بخش‌های پیش و پس همخوانی موضوعی ندارد. تعلق ابیات یاد شده به این منظومه مورد تردید است» (قاسمی، 1393ب: 57). بلکه این ابیات قسمتی از مقدمه لیلی و مجنون قاسمی است (ر.ک. قاسمی، 1393 الف: 46) که در نسخه پاریس، ورق آن داخل گوی و چوگان قرار گرفته و شامل

منقبت حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) است و یک ورق یا دو صفحه است [ورق: 178] و حدود 60 بیت است و نه 44 بیت.

ص 65، زیرنویس شماره 1: سلطان ابراهیم، وی جزو کسانی است که در بازی گوی و چوگان با پادشاه صفوی شرکت کرده و قاسمی «در وصف خط» او (قاسمی، 1393: ب: 65) ابیاتی سروده است. در توضیح ابراهیم نوشته‌اند: «سلطان ابراهیم، پسر شاهرخ و نوه تیمور، از 810 تا 838 حاکم شیراز بود. از این سلطان، سه کتیبه از 826 ق. به خط او با امضای "ابراهیم سلطان بن شاهرخ" باقی مانده است» (قاسمی، 1393: ب: 65). گفتنی است که این سلطان ابراهیم حداقل یک قرن قبل از ابراهیمی که شریک بازی گوی و چوگان شاه صفوی است، فاصله زمانی دارد. این بازی در حدود 930 تا 947 انجام شده اما ابراهیم دوره تیموری بیش از یک قرن قبل از سرایش منظومه گوی و چوگان از دنیا رفته است.

2.2. روش کار در تصحیح گوی و چوگان

2.2.1. مقدمه کتاب ضمن این که ناقص است و مطالب ضروری در آن نیامده، عنوان بندی هم نشده است. بهتر بود مقدمه به بخش‌های مجزایی تقسیم می‌شد. آوردن مطالبی از قبیل: معرفی منظومه، توضیحاتی در مورد گوی و چوگان و رسم‌الخط نسخه اساس لازم به نظر می‌رسید. به خصوص که از گذشته نویسندگان ایرانی به مقدمه آثار خود اهمیت فراوان می‌دادند. مقدمه به منزله چهره و صورت اثر است که در نگاه اول خودنمایی می‌کند. اگر تحقیق می‌شد در مورد قطعیت شاهی که گوی و چوگان بازی می‌کند و دیگر این که بازی‌کنان چه کسانی هستند و محدوده زمان بازی نیز با قراینی تعیین می‌گردید، بر ارزش کار می‌افزود. البته برخی از این مطالب در مقاله‌ای توضیح داده شده است (ر.ک. اختیاری، 1390).

در مورد سابقه گوی و چوگان‌سرای و بررسی پیشینه دراز این بازی باستانی در ایران، انتظار می‌رفت پژوهشی انجام می‌شد؛ به خصوص وقتی که یکی از کشورهای همسایه، این بازی را به نام خود ثبت جهانی کرده است. نیز به سابقه‌ای کوتاه از کتاب‌هایی به نام گوی و چوگان که در منابع و تذکره‌ها آمده، اشاره می‌شد. مطالبی از قبیل این که قبل از قاسمی در ایران سروده‌هایی به نام گوی و چوگان وجود داشته است، مثل مثنوی گوی و چوگان از محمود عارفی هروی که در 501 بیت که در سال 842 سروده شده است (جامی، 1371: 107؛ یارشاطر، 1334: 179-177؛ سمرقندی، 1338: 331؛ شریفی، 1387: 1225). نزدیک به سی نسخه از این منظومه در داخل ایران وجود دارد (درایتی، 1389: 981/8-980). دیگر منظومه گوی و چوگان طالب جاجرمی (854) (بیگ‌دلی، 1337: 74؛ روملو، 1349: 717؛ سمرقندی، 1338: 331؛ شریفی، 1387: 964).

بیت‌شماری مثنوی. وقتی هم شاعر و هم تذکره‌ها تعداد ابیات منظومه را 1500 بیت آورده‌اند، اگر بیت‌شماری می‌شد، ابیاتی که از نسخه پاریس اضافه شده بود، مسلم می‌شد که غالباً زائد است.

نداشتن مدخل، نمایه یا فهرست‌های اعلام تاریخی و جغرافیایی و کتاب‌ها، جزو کاستی‌های کتاب به حساب می‌آید. همچنین فهرست یا نمایه تعابیر و لغات و اصطلاحات موجود در گوی و چوگان. این فهرست‌ها به خواننده کمک می‌کند تا مطلب و مقصود خود را در زمانی اندک بیابد.

3.2.2. نقل‌های به واسطه

صص. 7 و 8: گرچه همیشه نقل به واسطه ناپسند نیست و گاهی ممکن است نویسنده ناچار به نقل به واسطه گردد اما چون همیشه واسطه‌ها ممکن است دقیق نقل قول نکرده باشند، مراجعه به مأخذ اصلی لازم به نظر می‌رسد؛ از جمله در صفحه 7 نوشته شده: «به گفته صاحب عالم‌آرای عباسی»، اما نقل با دو واسطه به این صورت آمده است: «صفا؛ به نقل از: حائری 1388: 51». در صفحه 8 از قول ادوارد برون دو نقل آمده، یکی ارجاع داده نشده و دومی به «دروودگریان، 1388: 83-74» ارجاع داده شده است. در همان صفحه نوشته شده: «اما احسان یار شاطر در نوشته خود زیر عنوان ادبیات عصر صفویه روشن می‌کند که شعر این دوره ...» که مأخذ این را هم «دروودگریان» گفته‌اند.

صص. 9 و 10: مطالبی از جلد پنجم تاریخ ادبیات در ایران بخش دوم (ر.ک. صفا، 1364، 2/5: 723-720) نوشته شده اما به نقل از درودگریان: «صفا؛ به نقل از درودگریان 1388». به نظر می‌رسد شاعری که در قرن نهم زندگی خود را وقف خدمت به فرهنگ این مرز و بوم کرده، آزاده زیسته و منت‌گزار هیچ حاکمی نبوده و دارایی خود را فروخته و پول آن را که دو هزار تومان می‌شده، وقف آستانه حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه السلام کرده (امین احمد رازی، 1378: 851؛ حسن خان بهادر، 1295ق: 326) شایسته بود به کتاب تاریخ ادبیات در ایران که در هر کتابخانه‌ای معمولاً یافت می‌شود، مراجعه شود.

ص 13، س 17 تا 21: نام عنوان قسمت‌های مختلف را «سر بخش» گذاشته‌اند. معمولاً این قسمت‌ها به «عنوان» مشهورند.

3.2. شیوه تصحیح

3.2.1. گرچه نسخه شماره 8383 واقع در گنجینه نفایس کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی مشهد، نسخه‌ای برتر است اما روش تصحیح مشخص نشده که بر اساس نسخه برتر است یا التقاطی و انتقادی است. در عمل در جایی به روش اساس و در جایی التقاطی عمل شده است. برای مثال برخی قسمت‌ها آنچه از نسخه بدل آورده شده، داخل قلاب قرار گرفته و برخی بدون قلاب آمده است، مانند:

[ز غنچه لاله را نمایی ست یعنی گره و گره گشایی ست]
[از شبنم لطف او به گلزار آراسته گل از صحیفه خار]
(قاسمی، 1393ب: 25)

گرچه دو قلاب بیشتر در اینجا لازم نیاز نیست، چون در اول و آخر آنچه به‌طور کلی از نسخه دیگر وارد شده، گذاشته می‌شود و نه در آغاز و انجام هر بیت. همچنین ابیاتی در صفحات 55 و 90 به همین شیوه از نسخه پاریس داخل قلاب آمده است. اما در صفحات متعدد کلمات زیادی از نسخه بدل وارد شده و داخل قلاب قرار نگرفته است؛ برای نمونه: در زیرنویس صفحه 109 آمده: «م: آراسته از سپر دکان‌ها» و در متن از نسخه کتابخانه ملی پاریس فرانسه به این صورت تصحیح شده بدون آن‌که داخل قلاب قرار گیرد:

آراسته ز سپر و کمان‌ها چون از گل و لاله بوستان‌ها
(قاسمی، 1393ب: 25)

یا مصراع اول بیت بعدی:

او کرده بر این محیط اخضر دامان سپهر پر ز گوهر
(قاسمی، 1393ب: 24)

در زیر نویس بیت مذکور چنین آمده است: «م: او ساخته بر سپهر اخضر». در بیت می‌بایست کلمات مصراع اول که از نسخه پاریس افزوده شده داخل قلاب قرار گیرد اما این کار انجام نشده است. از این قبیل نمونه‌ها فراوان است؛ از جمله: صفحه 34 شماره 2؛ صفحه 47، شماره 3 زیرنویس؛ صفحه 66، زیرنویس شماره 3.

وقتی مصحح وفادار به نسخه‌ای است، آن‌گونه که در برخی موارد در متن مصحح عمل شده، می‌بایست در همه جا بر اساس نسخه اساس عمل شود و آنچه از نسخه بدل اضافه می‌شود، داخل قلاب آورده شود؛ همان‌گونه که در مواردی چنین عمل شده است و اگر خیلی موارد زیاد است و قرار نیست داخل قلاب قرار گیرد، در هیچ جای کتاب عمل نمی‌شد و در مقدمه و روش کار می‌بایست ذکر می‌شد که آنچه از دیگر نسخ آمده، داخل قلاب قرار نگرفته و شیوه تصحیح بر طبق نسخه اساس نیست؛ درحالی‌که در قسمتی از صفحه 25 داخل قلاب و در همان صفحه در قسمت دیگر بدون قلاب، متنی از نسخه دیگر نقل شده است.

ص 11، س 12 به بعد: در معرفی نسخه شماره 8383 مثنویات قاسمی که در کتابخانه مرکزی آستان قدس نگاه‌داری می‌شود، مطالبی طولانی از آغاز نسخه نقل شده که قسمتی از آن داخل گیومه است اما مأخذی ندارد: «بنا بر ارادت و علاقه خاصی که والد مرحوم مغفور یار محمدخان افشار سردار کل، فرزند مرحوم مغفور حسن خان افشار وزیر نظام سردار کل، به آستانه قدس ... کتب خطی ایشان تقدیم کتابخانه آستان مبارک شده است...».

ص 12، س 5: شماره نسخه فرانسه که به صورت 1828 آمده، در اصل فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی فرانسه و دیگر منابع از جمله تاریخ ادبیات در ایران و فهرست بلوشه به این صورت نوشته شده است: «Suppl Pers, 1985» (صفا، 1363، 2/5 : 720 : 347 ; v3, Blochet).

ص 12، س 18: بعد از سطر هجدهم محل ترقیمه نسخه است اما ترقیمه در هیچ جای کتاب نیامده است. در حالی که ترقیمه شناسنامه نسخه است و با این که نسخه‌های گوی و چوگان هر دو ترقیمه دارد اما در متن تصحیح شده، نیامده است. «کتابه العبد المحتاج الی رحمه الله حافظ محمد بن قاسم علی. اتمام یافت به تاریخ غره شهر محرم الحرام 982⁽²⁾» [نسخه 8383 : 383].

2. 4. 1. گوی و چوگان یا کارنامه

مثنوی گوی و چوگان چهارمین منظومه قاسمی گنابادی (982) است که آن را در سال 947 سروده است. چنان که خود می‌نویسد: «از ترتیب نظم دو شاهنامه ... فارغ البال شد و آن اولین شکوفه بود که از نهال مراد سر زد و بعد از آن میوه‌ای که از شاخ امید حاصل شد، کتاب لیلی و مجنون بود ... و بعد از آن نسخه گوی و چوگان بود که به کارنامه موسوم است» (زبده الاشعار: 534). پس از این تا سال 967 چند مثنوی دیگر سرود به نام‌های: خسرو و شیرین، شاهرخ‌نامه، لیلی و مجنون سرایش دوم، عمده الاشعار و زبده الاشعار (زبده الاشعار: 535-534).

مثنوی گوی و چوگان یا کارنامه را به دستور شاه طهماسب و در مدت دو هفته در 1500 بیت سروده است:

آورده	عطاردم	به	میدان	از	کلک	و	دوات	گوی	و	چوگان
این	نامه	که	از	زبان	خامه	کردم	لقبش	به	کار	نامه
چون	ماه	دو	هفته‌اش	در	ایام	در	عرض	دو	هفته	دادم
این	عقد	گهر	که	شد	سرآمد	باشد	عددش	هزار	و	پانصد

(قاسمی، 1393: 125-124)

و تاریخ اتمام آن را در پایان مثنوی با ماده تاریخ «ظلّ ابدی» (947) آورده است.

2. 4. 2. ذکر گوی و چوگان در منابع قدیمی

تذکره تحفه سامی، قدیم‌ترین تذکره‌ای است که از قاسمی و آثارش به درستی نام برده زیرا در زمان حیات شاعر و با مصاحبت صاحب تذکره تألیف شده است. در آن چنین آمده: «دیگر کتاب گوی بازی صاحب‌قرانست به نام کارنامه که حسب الامر مطاع در سلک نظم کشیده» (سام‌میرزا، 1384: 41). نیز تذکره میخانه (فخرالزمانی، 1363: 172)، (طهرانی، 1389 هـ. ق. 243/19)، تذکره آتشکده آذر ذیل صفحه 279 (آذر بیگ‌دلی، 1337: 279). چند بیت از این منظومه در هفت اقلیم نقل شده است (رازی، 1378: 853/2-852). در دیگر آثار قاسمی هم به گوی و چوگان اشاره شده است، از قبیل: خسرو و شیرین (22- ر)، عمده الاشعار (73) و زبده الاشعار (534).

2. 4. 3. موضوع گوی و چوگان قاسمی

موضوع این مثنوی، گوی و چوگان بازی شاه و شاهزادگان و اطرافیان است. ریو (Rieu, 1966: 660) و استوری (Story, 1970: 2/292) و دکتر غلام سرور نوشته اند که این مثنوی داستان گوی و چوگان بازی شاه اسماعیل است (سرور، 1374: 142) اما در متن منظومه نامی از شاه اسماعیل نیست. به دلایلی که ذکر خواهد شد، شاهی که بازی می‌کند، شاه‌طهماسب است:

1. بعد از مدح شاه‌طهماسب بلافاصله به وصف گوی و چوگان بازی او می‌پردازد:

یک روز ز روی سرفرازی برخاست به عزم گوی‌بازی

(قاسمی، 1393 الف: 55)

2. حتی اگر بازی در آخرین سال حیات شاه‌اسماعیل (وفات 930) اتفاق افتاده باشد، بسیاری از بازی‌گران در این زمان، حدود شش تا هفت ساله‌اند. سال تولد پسران شاه‌اسماعیل که در این بازی شرکت دارند، عبارت است از: القاص در سال 922، سام، رستم و بهرام سال 923 ق. (سرور، 1374: 142). طهماسب، متولد ذی‌حجه 918 یا 919 که بعد از درگذشت شاه‌اسماعیل، «در ده و نیم سالگی» جانشین پدر شد (سیوری، 1380: 83)، بقیه خردسال‌اند؛ اگر شاه، شاه اسماعیل فرض شود، هم‌بازی‌های وی بچه‌های خردسالی هستند. درحالی‌که شاه بازیگر را اگر شاه‌طهماسب بگیریم، مشکل خردسالی بازی‌گران حل می‌شود. بازی‌گران در این چوگان‌بازی عبارت‌اند از: شاه، القاص (قاسمی، 1393 ب: 85)، سام‌میرزا (86)، بهرام (87)، ابراهیم (65)، طالش (67)، یگانه (69)، یورقلی (71)، سلطان‌قلی (73)، کرم‌بیگ (75)، رستم (78)، مقصود (80)، عبدالله (87) و مظفر (79).

3. دعایی که در فرازهای پایانی منظومه دارد، برای شاهی است که زنده است و همو بود که در بقیه منظومه و از جمله در گوی بازی حضور داشت:

تاج طربش همیشه بر سر کامش بود از بتان میسر

بر مسند ملک کامران باد هر چیز که خواهد آن چنان باد

(قاسمی، 1393 الف: 111)

2. 4. 4. برخی ویژگی‌های منظومه

2. 4. 4. 1. کوتاهی عنوان‌ها، فقط در مثنوی گوی و چوگان -بر خلاف دیگر آثار قاسمی- عنوان‌ها کوتاه و منظوم است، در حد یک مصراع، همچون لیلی و مجنون مکتبی (1389). نیز کوتاهی ابیات و روانی اغلب آنان؛ ویژگی دیگر

نداشتن ردیف‌های طولانی و به عبارت صحیح‌تر کاربرد اندک ردیف در این مثنوی، آن را شبیه اشعار سبک خراسانی ساخته است. برای نمونه ابیات صفحه 81 منظومه که همگی بدون ردیف‌اند.

2. 4. 4. 2. قاسمی در توصیف بازی‌گران به رنگ لباس و اسب آنان توجه دارد. نکته قابل توجه در مورد لباس و اسب بازی‌گران این است که غالباً تمام لباس‌های هر بازی‌گر یا هم‌رنگ اسب اوست یا متناسب با آن؛ از جمله لباس یورقلی سیاه است و اسب او هم چنین است:

چون کعبه محترم سیه‌پوش از زلف کشیده حلقه در گوش

(قاسمی، 1393 الف: 73-71)

در توصیف اسب وی دارد:

زو اسب سیه که کامیاب است چون سایه به زیر آفتاب است

(قاسمی، 1393 الف: 73)

یا در مورد کرم بیک که لباس زرد دارد، اسب او هم زرد رنگ است:

بر پشت سمند گرم و سرکش برخاسته شعله‌ای از آتش

(قاسمی، 1393 الف: 76)

در وصف لباس سرخ رنگ شاهزاده ابراهیم، می‌گوید:

در کسوت لاله‌گون که پیدا است ماهی است که از شفق هویدا است

در اطلس آل گرم و سرکش ابراهیمی میان آتش

(قاسمی، 1393 الف: 66)

و نیز در توصیف رنگ اسب سرخ‌رنگ وی دارد:

بر توسن آل گرم و سرکش می‌رفت خلیل‌سان بر آتش

(قاسمی، 1393 الف: 67)

3. نتیجه

تصحیح و نشر گوی و چوگان قاسمی گنابادی، ضمیمه سال دوازدهم، شماره 34، دو فصلنامه آینه میراث در سال 1393، سبب شد که سهو و خطاهایی که در این تصحیح رخ نموده است، به رقم درآید و در این جستار نشان داده شود؛ از جمله اشتباه‌ها سال تولد قاسمی است. همچنین سهو دیگر، سال سرایش گوی و چوگان است.

آنچه در مقدمه یک تصحیح لازم به نظر می‌رسید نگاشته شود، در این تصحیح جایش خالی است. از قبیل خلاصه‌ای از مثنوی، پیشینه گوی و چوگان‌بازی در ایران، معرفی گوی و چوگان‌های قبل از قاسمی و روش کار و رسم‌الخط نسخه اصلی و نوشتن ترقیمه، ویژگی‌های مثنوی، داشتن شیوه تصحیح یک‌نواخت و درست و سهوهای دیگری که در جستار به قدر مقدور به یادآوری و اصلاح آن‌ها پرداخته شده است.

4. پی‌نوشت‌ها

1. تاریخ سرایش منظومه شاه اسماعیل‌نامه و شاه طهماسب‌نامه، در نسخه مثنویات قاسمی، موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، در پایان هر مثنوی آمده است:

به لطف از سر نظم اگر بگذری روان پی به تراج آن آوری

(شاه اسماعیل نامه: 399)

یعنی از سر «نظم» حرف «ن» که برداشته شود، سال سرایش شاه اسماعیل نامه 940 به دست می‌آید. شاهنامه نواب اعلی را در سال 950 ق. و به نام شاه‌طهماسب اول صفوی سرود (اختیاری، 1390). شاهرخ نامه را در سال 950 ق. به شعر درآورد. اینک تاریخ سرایش شاهرخ‌نامه:

بین در سوادم ز نیک‌اختری طلب سال تاریخش از مشتری

(شاهرخ‌نامه: [51- ر])

شاعر خسرو و شیرین را در سال 950 ق. سرود:

ز غیب آمد حدیثی بر زبان‌ها که شد تاریخ سالش فیض جان‌ها

(خسرو و شیرین: [144- پ])

3. تاریخ تحریر نسخه 8383 در چاپ جدید لیلی و مجنون قاسمی به اشتباه سال 989 نوشته شده است (قاسمی، 1393ج: 6).

شکل 1: تصویر ورق آخر نسخه پاریس (مثنوی گوی و چوگان)



منابع

- 1- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ. (1337). آتشکده آذر. تصحیح سید جعفر شهیدی. تهران: مؤسسه نشر کتاب.
- 2- ابن یوسف شیرازی. (1320). فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران: کتابخانه مجلس.
- 3- اختیاری، زهرا. (1390). سایه روشن آثار و نوشته‌های قاسمی‌گنابادی، نشریه ادب و زبان (علمی - پژوهشی). دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان. دوره جدید، شماره 30 (پیاپی 27)، زمستان، ص. ص 47-77.
- 4- ----- (1391). «درست و نادرست در شرح حال قاسمی‌حسینی‌گنابادی (جنابدی)»، نشریه ادب و زبان (علمی - پژوهشی)، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره 31 (پیاپی 28)، بهار، صص 41-74.
- 5- بهادر، سیدعلی حسن خان. (1295ق.). صبح گلشن. به اهتمام مولوی محمد عبدالمجید خان. بی جا: بی نا.
- 6- ترکمان، اسکندر بیگ. (1392). تاریخ عالم‌آرای عباسی. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- 7- جامی، عبدالرحمن. (1371). بهارستان. تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: اطلاعات.
- 8- خزانه دارلو، محمدعلی. (1375). منظومه‌های فارسی. تهران: روزنه.
- 9- درایتی، مصطفی. (1389). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- 10- دولت‌شاه سمرقندی. (1338). تذکره الشعرا. تصحیح محمد رضانی. تهران: خاور.
- 11- رازی، امین احمد. (1378). تذکره هفت اقلیم. تصحیح سید محمدرضا طاهری. تهران: سروش.
- 12- روملو، حسن بیگ. (1357). احسن التواریخ. تصحیح عبدالحسین نوائی. تهران: بابک.
- 13- ----- (1349). احسن التواریخ. تصحیح عبدالحسین نوائی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 14- رویمر، ه. ر. (1384). دوره صفویان. تاریخ ایران (دوره صفویه، از مجموعه تاریخ کمبریج). ترجمه: یعقوب آژند. تهران: جامی.
- 15- سام‌میرزا صفوی. (1384). تذکره تحفه سامی. تصحیح و مقدمه از رکن‌الدین همایونفرخ. تهران: اساطیر.
- 16- سرور، غلام. (1374). تاریخ شاه اسماعیل، ترجمه: محمدباقر آرام. عباسقلی غفاری فرد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- 17- سیوری، راجر مروین. (1380). در باب صفویان، ترجمه: رمضان‌علی روح‌الهی. تهران: نشر مرکز.
- 18- صدری، مهدی. (1378). حساب جمل در شعر فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- 19- صفا، ذبیح‌الله (1364). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- 20- الطهرانی، آقابزرگ. (1389 ق. / 1969 م.). الذریعه الی تصانیف الشیعه. تصحیح احمد المنزوی، الطهران: کتابخانه اسلامی.
- 21- فخرالزمانی، عبدالنبی. (1363). تذکره میخانه. تصحیح احمد گلچین‌معانی. تهران: اقبال.
- 22- فروزانفر، بدیع‌الزمان. (1383). تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام (تا پایان دوره تیموریان). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 23- قاسمی‌گنابادی، محمد قاسم. (د. 982). خسرو و شیرین. کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره 95، [نسخه خطی]، تألیف 950 ق.

- 24- ----- (د.982)، *زبده الاشعار*. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره 8383، [نسخه خطی]، تألیف 940 ق. تاریخ کتابت 982-980 ق.
- 25- ----- (د.982). *شاه اسماعیل نامه*. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره 8383، [نسخه خطی]، تألیف 940 ق. تاریخ کتابت 982 ق.
- 26- ----- (1387). *شاه اسماعیل نامه*. تصحیح جعفر شجاع کیهانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- 27- ----- (د.982). *شاهرخ نامه*. نسخه موزه بریتانیا به شماره Or339 [نسخه خطی].
- 28- ----- (د.982). *شاه طهماسب نامه (شاهنامه نواب علی)*. کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره 8383، [نسخه خطی]، تألیف 940 ق. تاریخ کتابت 982-980 ق.
- 29- ----- (د.982). *عمده الاشعار*. کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره 8383، [نسخه خطی]، تألیف 940 ق. تاریخ کتابت صفر 980 ق.
- 30- ----- (ب.1393). *گوی و چوگان*. تصحیح بهرام گرامی و زهرا مجیدی. تهران: میراث مکتوب.
- 31- ----- (الف.1393). *لیلی و مجنون*. تصحیح زهرا اختیاری. مشهد: آهنگ قلم.
- 32- ----- (ج.1393). *لیلی و مجنون*. تصحیح اسماعیل شفق. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- 33- ----- (د.982). *مثنویات قاسمی*. کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره 8383، [نسخه خطی]، تألیف 940 ق. تاریخ کتابت 982-980 ق.
- 34- گلچین معانی، احمد. (1346). *فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی*. مشهد: کتابخانه آستان قدس.
- 35- ----- (1359). *تذکره پیمانه*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- 36- منصور دشتکی، غیاث الدین. (1386) *اخلاق منصوری*. تصحیح علی محمد پشت دار، تهران: امیرکبیر.
- 37- مکتبی شیرازی. (1389). *لیلی و مجنون*. تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو. تهران: چشمه.
- 38- نفیسی، سعید. (1344). *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی*. تهران: انتشارات فروغی.
- 39- Blochet. (1928). *Catalogue des manuscrits Persans*, tome troisieme N° 1161- 2017, published by Paris Reunion des bibliotheques nationales.
- 40- Rieu Charles. (1966). *Catalogue the Persian manuscripts the British museum*. London: British museum.
- 41- Ivanow, Wladimir. (1926). *Descriptive catalogue of the persian manuscripts in the Asiatic society of Bengal*. Calcutth: Asiatic Society of Bengal.
- 42- Story, A. (1970). *Persian Literature to Bibliographical*. London: The Royal society of Great Britain and Ireland and sold its Agents.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی